



در دی ماه امسال؛
**بهره‌برداری از بزرگترین پروژه
 احیای دریاچه ارومیه**
 صفحه ۲

رسانه مستقل

«دنیای هوادار» بررسی می‌کند؛

**جاذبه و دافعه
 رئیس فدراسیون کشتی**

صفحه ۳

دنیای هوادار بررسی می‌کند؛

**وضعیت آپارتمان‌های نقلی
 پایتخت چگونه است؟**

صفحه ۶

مردی با سپر آهنین؛

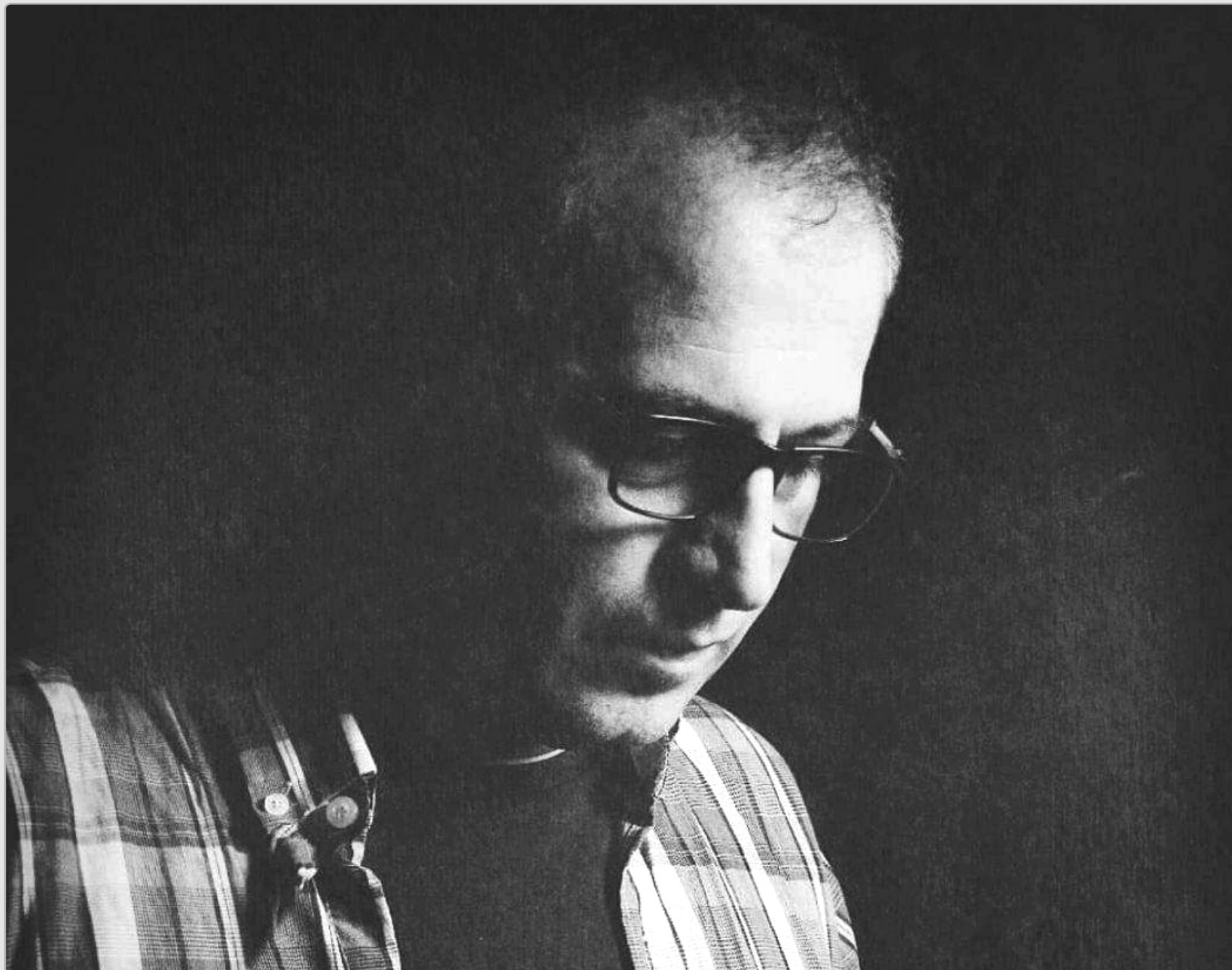
نه متهم می‌شود، نه استیضاح!

صفحه ۷

خالق مستند «قاب» در گفت و گو با «دنیای هوادار»:

پژوهشی برای شرح ناگفته‌ها

صفحه ۴ و ۵





«دنیای هوادار» یاد و خاطره شهدا به ویژه
شهید محمدحسن نوروزی را گرامی می دارد

خبری

در شهر

برای ایجاد «خانه های هلال» ویژه
خبرنگاران؛

رئیس هلال احمر از رسانه ها
دعوت کرد

رئیس جمعیت هلال احمر، «خانه های هلال» را بهترین عرصه تجلی کار داوطلبانه دانست و از همه رسانه های گروهی مکتوب و تصویری دعوت کرد تا در راه اندازی خانه هلال خبرنگاران مشارکت داشته باشند.

به گزارش «دنیای هوادار»، دکتر کریم همتی درباره راه اندازی خانه های هلال گفت: با توجه به تاکید رئیس جمهوری مبنی بر لزوم اجرای دو طرح خانه هلال و آموزش همگانی، راه اندازی خانه های هلال در دستور کار قرار گرفت.

وی با بیان اینکه خانه هلال یک شعبه کوچک از جمعیت هلال احمر است، افزود: همه ارکان از نیروهای داوطلب انتخاب و اقدامات توسط اعضا و داوطلبان برنامه ریزی و اجرا می شود. در این خانه ها، واحد های جوانان، امداد، آموزش و داوطلبان فعال است.

رئیس جمعیت هلال احمر با تاکید بر اینکه امکان اجرای وظایفی که در قانون جدید مدیریت بحران بر عهده جمعیت هلال احمر است از طریق خانه های هلال با هزینه کمتر و بازدهی بالاتر قابل اجراء است، گفت: سوانح چندسال اخیر از جهت گستردگی حوزه جغرافیایی نشان داد که بدون مشارکت جوامع محلی، اجرای مأموریت ها برای جمعیت هلال احمر با سختی همراه است.

همتی با تاکید بر اینکه خانه های هلال نه تنها وظایف جمعیت را انجام می دهند بلکه می توانند به یک پایگاه فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی در روستاها تبدیل شود، افزود: از مهمترین اقدامات خانه های هلال می توان به جذب، آموزش و سازماندهی ساکنان حوزه جغرافیایی خانه هلال اشاره کرد. البته آموزش ها در خانه های هلال برای همه ارائه می شود و برای شرکت در کلاس ها، الزام به عضویت در جمعیت هلال احمر وجود ندارد.

برای چهارمین سال پیاپی؛

«محسن هاشمی» بر ریاست
شورای شهر تهران ابقا شد

اعضای پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران «محسن هاشمی» را به عنوان رئیس چهارمین سال این شورا ابقا کردند. اعضای شورای اسلامی شهر تهران روز گذشته در دویست و سی و دومین جلسه خود، برای چهارمین سال پیاپی انتخابات هیات رئیسه شورا را برگزار کردند.

تعداد اعضای حاضر در صحن شورای شهر بود ۲۰ نفر بود و «محمد علیخانی» به علت ابتلا به کووید ۱۹ در صحن شورا حضور نداشت. ۱۸ نفر از اعضای شورای اسلامی شهر به تنها نامزد ریاست شورا که «محسن هاشمی» بود، رای دادند. با این انتخاب محسن هاشمی برای چهارمین سال پیاپی ریاست بر شورای پنجم را برعهده خواهد گرفت.

همچنین «سید ابراهیم امینی» به عنوان تنها نامزد نایب رئیسه شورای شهر خود را معرفی کرد و اعضای شورا با ۱۶ رای، وی را به عنوان نایب رئیسه انتخاب کردند.

سید ابراهیم امینی از ابتدای دوره پنجم شورای اسلامی پایتخت، تاکنون نایب رئیسه شورای شهر است.

بر این اساس «زهرا نژاد بهرام»، «الهام فخاری» و «سیدآرش حسینی میلانی» به عنوان نامزد منشی هیات رئیسه شورای شهر خود را معرفی کردند و اعضای شورای شهر زهرا نژاد بهرام و سید آرش میلانی را به ترتیب با ۱۳ و ۱۲ رای به عنوان منشی های هیات رئیسه انتخاب کردند.

پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران با ۲۱ عضو از شهریور ماه سال ۹۶ کار خود را آغاز کرد.

خبر اول

در دی ماه امسال؛

بهره برداری از بزرگترین پروژه احیای دریاچه ارومیه



عملیات مطالعاتی احیای دریاچه ارومیه از دی ماه سال ۹۲ با محوریت دانشگاه شریف و ۹ دانشگاه دیگر آغاز شد و این مطالعات، ۹ ماه به طول انجامید.

معاون رئیس جمهوری با اشاره به این که مرحله تثبیت دریاچه ارومیه طی سه سال و با موفقیت انجام شد و افزود: از سال چهارم، فاز احیای دریاچه ارومیه شروع و تا امروز ۱۱ هزار میلیارد تومان در این پروژه سرمایه گذاری شده است. کلانتری گفت: پس از شروع عملیات احیای دریاچه ارومیه و تلاش های صورت گرفته، تا به امروز سطح آب آن، حدود یک متر و ۱۰ سانتیمتر نسبت به سه سال گذشته افزایش یافته است.

معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: بزرگترین پروژه برای احیای دریاچه ارومیه، دی ماه امسال به پایان خواهد رسید.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از پایگاه اطلاع رسانی محیط زیست، عیسی کلانتری به مناسبت هفته دولت ضمن اعلام این خبر افزود: پروژه بازگرداندن آب از سد کانی سبب به دریاچه ارومیه تاکنون حدود ۹۳ درصد پیشرفت داشته است و امیدواریم در دی ماه امسال به پایان برسد.

وی با بیان این که این پروژه، شامل یک تونل انتقال آب ۳۶ کیلومتری، دو سد و ۶۰ کیلومتر کانال است، اظهار داشت:

کرونا در ایران

۳۰۹ هزار و ۴۶۴ نفر از مبتلایان کرونا بهبود یافتند

بیماری تحت مراقبت قرار دارند. لاری افزود: تاکنون سه میلیون و ۳۶ هزار و ۷۱۱ آزمایش تشخیص کووید ۱۹ در کشور انجام شده است. سخنگوی وزارت بهداشت اظهار کرد: استان های مازندران، تهران، قم، گلستان، خراسان شمالی، اردبیل، اصفهان، البرز، خراسان رضوی، کرمان، سمنان، آذربایجان شرقی، مرکزی، یزد و گیلان در وضعیت قرمز قرار دارند. همچنین استان های فارس، ایلام، لرستان، هرمزگان، زنجان، قزوین، آذربایجان غربی، بوشهر، همدان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد هم در وضعیت هشدار قرار دارند.

مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد که ۸۸۲ نفر از آن ها بستری شدند. با این حساب، مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۳۵۸ هزار و ۹۰۵ نفر رسید. وی ادامه داد: متأسفانه در طول ۲۴ ساعت گذشته، ۱۴۱ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان باختگان این بیماری به ۲۰ هزار و ۶۴۳ نفر رسید.

معاون وزیر بهداشت گفت: خوشبختانه تا کنون ۳۰۹ هزار و ۴۶۴ نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستان ها ترخیص شده اند. همچنین ۳۸۴۱ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در وضعیت شدید این

سخنگوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: تاکنون ۳۵۸ هزار و ۹۰۵ نفر در کشور به طور قطعی به ویروس کرونا مبتلا شده و با فوت ۱۴۱ نفر در ۲۴ ساعت گذشته، تعداد جان باختگان کرونا در کشور به ۲۰ هزار و ۶۴۳ نفر رسیده است و تاکنون ۳۰۹ هزار و ۴۶۴ نفر از بیماران، بهبود یافته و از بیمارستان ها ترخیص شده اند.

سیما سادات لاری روز گذشته درباره آخرین آمار قطعی مبتلایان به ویروس کرونا و موارد فوت ناشی از ابتلا به این ویروس در کشور بیان کرد: تا دیروز و بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، دو هزار و ۱۱۳ بیمار جدید

سلامت

سامانه سیمای سرطان رونمایی شد

هم پستان، روده بزرگ، تیروئید، پوست و معده است.

سرطان دومین علل مرگ و میر در کشور

ملک زاده ادامه داد: بعد از بیماری های قلبی و عروقی که علت ۴۳ درصد مرگ و میر و ناتوانی ایرانی ها است، دومین علت مرگ و میر در کشور سرطان ها هستند که ۱۶ درصد از علل مرگ و میر را به خود اختصاص می دهند.

نایب رئیس کمیته ملی مدیریت سرطان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بیان داشت: در سال ۹۴ حدود ۵۱ هزار نفر به علت سرطان در ایران فوت کردند.

وی با طرح این پرسش که میزان بروز، مرگ و میر و بهبودی در کل سرطان ها در ایران و دنیا چه وضعیتی دارد؟ گفت: میزان ابتلا به این بیماری در دنیا ۲۰ درصد و در ایران ۱۴ درصد است. مرگ بر اثر این بیماری در دنیا ۱۴ درصد و در ایران ۷ درصد است.

ملک زاده ادامه داد: بهبودی در ایران و سایر کشورهای دنیا ۵۰ درصد است، به عبارتی می توان ۵۰ درصد سرطان ها را بعد از تشخیص به موقع بهبود بخشید و آن ها را مداوا کرد. این کار حاصل پیشرفت های علمی پزشکی است و امید است در سال های آینده درصد بیشتری از بیماران سرطان مداوا شوند.

وی ادامه داد: پیش بینی می شود در ۲۰ سال آینده در ایران با ادامه روند فعلی میزان سرطان افزایش یابد.

عبارتی این سامانه رسمی دبیرخانه ملی مدیریت وزارت بهداشت است.

وی اظهار داشت: هرچند رونمایی رسمی این سامانه امروز انجام شد، اما بخش های آن از چند سال پیش کار می کند و بخش های جدیدی هم به این سامانه اضافه شده تا به کاهش مشکلات بیماران مبتلا به سرطان کمک کند.

این سامانه روز گذشته با حضور رضا ملک زاده نایب رئیس کمیته ملی مدیریت سرطان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و جمعی از مسئولان این وزارتخانه در سالن جلسات معاونت تحقیقات وزارتخانه رونمایی شد.

شیوع سرطان در ایران از متوسط دنیا کمتر است

نایب رئیس کمیته ملی مدیریت سرطان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به اهمیت آگاهی از سرطان های شایع در ایران و روند این بیماری در کشور، گفت: در حال حاضر شیوع سرطان در ایران از متوسط دنیا کمتر است.

دکتر رضا ملک زاده روز گذشته در مراسم رونمایی از سامانه سیمای سرطان با طرح این پرسش که چه سرطانی در ایران بیشتر داریم، گفت: پنج سرطان اول در بین مردان و زنان ایرانی، شامل پستان، پروستات، روده بزرگ، پوست و معده است.

وی ادامه داد: شایع ترین سرطان ها در مردان ایرانی پروستات، پوست، معده، روده بزرگ و مثانه و در زنان

سامانه یکپارچه مدیریت اطلاعات سرطان که به اختصار سامانه سیمای سرطان نامیده می شود، رونمایی شد.

رئیس اداره سرطان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی روز یکشنبه در مراسم رونمایی این سامانه با اشاره به اینکه در قالب این سامانه افراد بهتر، مناسب تر و زودتر خدمات را دریافت کنند، گفت: امروز ما حاصل تلاش هایی که برای توسعه زیر ساخت اطلاعاتی سرطان در سال های گذشته انجام شد، در قالب این سامانه ارائه شده است.

علی قنبری مطلق اظهار داشت: گزارش منظم از ثبت سرطان، ایجاد پرنده و نسخه الکترونیکی و اجرای برنامه پیشگیری و تشخیص زودهنگام و داشبورد از جمله دستاوردهای این سامانه خواهد بود.

وی با اشاره به اینکه تحت وب بودن، امکان اتصال به سامانه های دیگر و امکان مدیریت کاربران مختلف از جمله مشخصات این سامانه است، ادامه داد: سیاستگذاران، پزشکان و ارائه دهندگان خدمت، پژوهشگران، بیماران، سازمان های مردم نهاد از کاربران این سامانه خواهند بود.

قنبری مطلق ادامه داد: داشبورد اطلاعاتی سرطان از ابتدای مهرماه در اختیار سیاستگذاران، محققان و پژوهشگران کشور قرار خواهد گرفت تا در کارهای خود از آن استفاده کرد.

وی افزود: در این سامانه علاوه بر اطلاعاتی مانند ثبت اطلاعات سرطان های مختلف، جدیدترین اطلاعات در مورد آموزش در اختیار مردم قرار می گیرد و به

رئیس جمهوری گفت: در دولت مصوبه‌ای داشتیم که برای حدود ۳۰ میلیون جمعیت ایرانی که خانواده‌هایی هستند که مصرف برقشان زیاد نیست و جزو لیست کم‌مصرف‌ها هستند برای کم‌مصرف‌ها تصمیم گرفتیم که بولی برای برق پرداخت نکنند به شرط اینکه در همان رده کم‌مصرف باقی بمانند.

دیدگاه

«دنیای سوادار» بررسی می کند:

جاذبه و دافعه رئیس فدراسیون کشتی



محمد رضا کاظمی
نویسنده و روزنامه نگار

به میان می آورد؟ این همه به کنار، تازه دایره خودی‌ها چنان محدود و خط کشی‌ها چنان استوار شده که در صورت هر گونه نظرسنجی عادلانه پایین تر نمره از آن کسی خواهد شد که چنین شیوه منسوخی را در فدراسیون باب کرده است. پیشاپیش تاکید شد بحث شخصیت حقوقی در میان است و شخصیت حقیقی افراد قابل تکریم. نگاهی به سلسله تحولات یک سال گذشته بیانگر این واقعیت غیر قابل کتمان است که ریزش نیروها بیش از خیزش بوده و بسی مایه تاسف که عده‌ای از جذب شده‌ها هم از اقبال عمومی برخوردار نبوده و نیستند. وقتی متولی یک مجموعه به جای امیدبخشی و آرزوی موفقیت برای مجموعه تحت امر یکسره از مشکلات و بدهکاری، آینده نامطمئن و ناکامی احتمالی سخن به میان آورد چگونه می‌تواند انتظار داشته باشد نیروها در میان این همه یاس و مصیبت اوج بگیرند؟ البته حساب مطالبات به حق و خواسته‌های مشروع آن هم از مسیر درست دیپلماسی و رایزنی، امر طبیعی و خواست تمام علاقه‌مندان کشتی است اما این راه که پیموده می‌شود به ترکستان ختم خواهد شد. دلاوران کشتی ما در جهان انگشت نما و در صورت توجه و رسیدگی، هر کدام توان کسب مدال در میادین بزرگ از جمله المپیک را دارند به شرطی که به درستی هدایت، حمایت، تقویت روحی و جسمی شوند. چه کسی مسئول رساندن آنان به این مرحله از توان و اراده است؟ تعدادی از این قهرمانان عنواندار جهان و المپیک‌اند و باز هم می‌توانند در چنین میدانی افتخار آفرین باشند در صورتی که متولی امر به جای ایرادگیری و ابهام افکنی فضای همدلی و اتحاد را گسترش دهد.

محمد رضا طالقانی قهرمان جهان و المپیک نبود اما عشق و علاقه به کشتی، فعالیت شبانه روزی، اراده پولادین و زبان چرب و نرم از او چهره‌ای دوست‌داشتنی و جذاب ساخته بود. یزدانی خرم اصلا از خانواده کشتی نبود اما وقتی از تلاطم اولیه ناشی از پوست‌اندازی کشتی‌رهایی یافت چنان فضای آرامش بخشی در عرصه این ورزش فراهم ساخت که بزرگتری و بهترین نتیجه المپیک حاصل زحمات او و همراهان یکدل بود. نام او به خاطر صبر و شکیبایی و نگاه پدرا نه در کشتی به یادگار ماند. موفقیت روسای پیشین نیز موهن نگاه فراگیر و توأم با جاذبه آنان بود. هر کس دور خود دایره‌ای از تافخر و خودپسندی کشید به عقوبت آن گرفتار آمد.

روشن است نقد حاضر صرفا به جنبه‌های منفی موضوع اشارت ندارد و گزینه آن بخش از گفتار و تقاضا که توجه بیشتر به ورزش اول را شامل می‌شود مورد تأیید است. می‌توان تمام این کاستی‌ها را در سایه همفکری، تلاش و برنامه‌ریزی محقق ساخت به شرطی که جای شعار به کار پرداخته شود و در عوض حاشیه به متن توجه شود. این است رمز و راز جاذبه و دافعه افراد...

نگاهی به اظهارات و دیدگاه‌های رئیس فدراسیون کشتی طی قریب به یک سال حضور در راس فدراسیون، معیار مناسبی است برای مخاطبان ورزش اول تا برآیند این نگاه را مورد دقت نظر قرار دهند. بدیهی است منظور از ذکر رئیس فدراسیون کشتی شخصیت حقیقی فرد مورد نظر نیست بلکه نگاه نگارنده به جایگاه حقوقی شخصیتی است که سیاست‌ها و اهداف کشتی را پی‌گیری و اجرا می‌کند. بر همین قیاس می‌توان تصور کرد جاذبه و دافعه رئیس فدراسیون تا چه اندازه می‌تواند در پیشبرد اهداف تأثیر مثبت یا منفی بر جای بگذارد.

در تبیین این دیدگاه‌ها می‌توان چنین معنا کرد که رئیس فدراسیون در مقام محور تعیین‌کننده و کانون اصلی فعالیت‌ها و حرکت مجموعه تحت فرمان نقش بی‌بدیلی را در این عرصه ایفا می‌کند. حال این شخصیت حقوقی هر اندازه بتواند در جذب مخاطبان آقماری که همان مردم باشند، نیروی انسانی متخصص و سرمایه‌های همکار موفق عمل کند طبیعتا مسیر دستیابی به هدف آسان‌تر خواهد شد. متقابلا اگر مدیر مجموعه‌ای مدام از یاس و ناامیدی، مشکلات فراوان، نبود بودجه و امکانات، تحلیل رفتن نیروی انسانی، عدم همراهی بالادستی‌ها، دشمنان پنهان و آشکار و بسیاری مشکلات دیگر داد سخن دهد، جز آنکه تخم ناامیدی و حرمان در کشتزار خویش کاشته باشد، حاصلی بر نخواهد چید.

رئیس فدراسیونی که پیشاپیش خود را بازنده میدان المپیک تصور و این تصور را به جامعه تزریق کند چه بسا دچار همین عقوبت خواهد شد که خود پیش بینی کرده است. روشن است که ما نیز با این سخن که ورزش اول باید بهترین امکانات را داشته و بودجه‌اش بالاتر از دیگر فدراسیون‌ها باشد هم داستانتیم اما بر سبیل این مثل که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد پدر یک خانواده نباید تمام مشکلات و بدبختی‌ها را به کرات در برابر فرزندان یادآور شود. این شیوه رهبری جز اینکه در میان خانواده تشنت و استرس ایجاد کند چه کمکی به آن‌ها می‌کند؟ مسبقا به سابقه نیست روسای پیشین فدراسیون چنین از مشکلات و کمبودها سخن به میان آورده باشند. مگر نه اینکه سخن از به صف بودن حامیان مالی بود و وعده‌های پیش از انتخابات که مشکلاتی از این بابت نخواهیم داشت؟ کجا رفت آن وعده‌های شیرین و پرحلاوت که از ایجاد تحول و درآمد پایدار در کشتی سخن

«البرز» چه خبر؟

«استاندار» خبر داد:

رشد ۸۵ درصدی اعتبارات پروژه‌های هفته دولت البرز



بهره برداری از ۲۵ پروژه عمرانی در فرديس همزمان با اولين روز از هفته دولت طی مراسم با حضور عزيزاله شهبازی استاندار البرز، بهره برداری از ۲۵ پروژه عمرانی در شهرستان فرديس آغاز شد.

فرماندار فرديس در آيين گشايش اين پروژه‌ها گفت: برای بهره برداری از این پروژه‌ها ۱۶۲ میلیارد تومان اعتبار هزینه شده که با بهره برداری از آنها زمینه اشتغال ۲۰۲ نفر ایجاد شده است.

ابوالفضل اینالو افزود: این پروژه‌ها در زمینه بافندگی، سرای محله، کشاورزی، فرهنگي و قطعات خودرو در بخش دولتی و خصوصی اجرا شده است.

بخشی از این پروژه‌ها از محل اعتبارات دولتی و تعدادی توسط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اجرا شده است.

با بهره برداری از این پروژه‌ها صدها خانوار از مزایای آنها بهره‌مند شدند.

استاندار البرز با حضور در گلزار شهدای مشکین دشت به مقام شامخ این عزیزان ادای احترام کرد.

استاندار البرز اعلام کرد که اعتبارات پروژه‌های هفته دولت امسال در این استان نسبت به سال گذشته از افزایش ۸۵ درصدی برخوردار است.

عزيزاله شهبازی روز گذشته در حاشیه بهره برداری از پروژه‌های شهرستان فرديس افزود: سال گذشته سه هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان پروژه در هفته دولت بهره برداری شد که این رقم امسال به چهار هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

وی بیان داشت: امسال بخش کشاورزی محور پروژه‌های گشايشی در استان البرز قرار گرفته که شاهد ارتقای تولید و افزایش ظرفیت اشتغالزایی هستیم.

شهبازی یادآور شد که تا پایان هفته دولت ۳۰۹ پروژه شامل ۶۳ پروژه بخش خصوصی و ۲۴۶ پروژه بخش دولتی در این استان بهره برداری می‌شود.

استاندار البرز اضافه کرد: ۲۵ پروژه فرديس نیز با اعتباری بالغ بر ۱۶۰ میلیارد تومان در بخش‌های دولتی و خصوصی و در حوزه‌های مختلف افتتاح شد.

«نادر ثناگو مطلق» خبر داد:

افزایش پروازهای فرودگاه پیام به مقصد اهواز



وی اضافه کرد: به دلیل استقبال مردم، ظرفیت‌های پروازی این مسیر تکمیل می‌شود.

ثناگو مطلق گفت: به دنبال استقبال خوب مردم از پروازهای مسافری فرودگاه بین‌المللی پیام، توسعه این پروازها در دستور کار قرار گرفت که به همین منظور از ابتدای شهریورماه جاری در روزهای دوشنبه هر هفته نیز پرواز به مقصد اهواز و بالعکس از طریق این فرودگاه انجام خواهد شد.

وی ادامه داد: انجام پروازها به سایر مناطق کشور در دستور کار است.

مدیر عامل منطقه ویژه اقتصادی و فرودگاه بین‌المللی پیام البرز اعلام کرد که در پی استقبال مردم استان از پروازها به مقصد اهواز و بالعکس، شمار پروازهای این مسیر افزایش یافت.

نادر ثناگو مطلق روز گذشته در گفت و گو با خبرنگاران افزود: اکنون پروازهای مسافری از فرودگاه بین‌المللی پیام به مقصد اهواز و بالعکس در روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه انجام می‌شود.

پیش از این هر هفته ۲ پرواز بین کرج و اهواز انجام می‌شد.

دباگوگ

خالق مستند «قاب» در گفت و گو با «دنیای هوادار» (پایانی)

پژوهشی برای شرح ناگفته‌ها



مهدی تیموری
سرمدبیر و منتقد

«امید خاکپورنیا» کارگردان، تدوینگر و مستندسازی است که چندان اهل شلوغ بازی های رایج و مرسوم در فضای رسانه ای نیست؛ به قول خودش او یک «تبلیغاتی» است! وی فعالیت اش را از سال ۱۳۷۵ و پس از گذراندن دوره فیلمسازی در «انجمن سینمای جوان» آغاز کرد و سپس جذب بازار حرفه ای کار شد و پس از آن تا پایان سال ۱۳۸۵ کارش را در مقام «تدوین گر» در آثار تلویزیونی - سریال، تله فیلم و... به صورت جدی ادامه داد و در این سال ها با فیلمسازی نظیر «ایرج میلانی»، «حمید کوهپایه»، «فرزاد مومن»، «مهدی مظلومی»، «امیرحسین قهرایی»، «امیرشهاب رضویان»، «سیدمحسن یوسفی»، «نادر مقدس» و... همکاری داشته است. او از سال ۱۳۸۰ به صورت رسمی شروع به ساخت آگهی های تلویزیونی کرد و در این سال ها با آژانس های مختلفی در سطح اول به عنوان «کارگردان» فعالیت داشته است. در کنار این ها، آثار کوتاه داستانی و مستندهایی را هم از جمله دو مستند مطرح «قاب: مروری بر یک عمر فعالیت هنری جمشید الوندی» و «صدای سخن عشق» را در مقام «کارگردان» ساخته است. به همین جهت گفت و گویی داشتیم با «امید خاکپورنیا» در دو قسمت. نخستین قسمت این دیالوگ مفصل که در شماره ۵۴۹ به تاریخ ۲۸ مردادماه ۹۹ (سه شنبه هفته گذشته) چاپ شد به ایده های آتی این فیلمساز، مستند «قاب» و... پرداخته بودیم و حال در قسمت پایانی آن، مفصل تر در خصوص قاب و سایر فعالیت های وی در مقام سازنده تیزر و تبلیغات تلویزیونی و ساز و کار آن ها در آژانس های تبلیغاتی و... پرداخته ایم که خواندن آن خالی از لطف نخواهد بود:

دنیای هوادار در مستند «قاب»، مخاطب ناآشنا با

ابزار و تجهیزات سینما، با برخی از واژگان و اصطلاحات و کارکردهای دوربین بیشتر آشنا شده و حتی برخی از مسائل را به صورت مقدماتی فرا می گیرد، آیا این گزاره را تایید می کنید که یکی از اهداف شما برای تولید مستند قاب، آموزش گرامر ابتدایی سینما به مخاطب عام بوده است؟
واقعیت اش را بخواهم بگویم، چیزی تحت عنوان «آموزش گرامر ابتدایی سینما به مخاطب» در اهداف و حتی پس ذهن من نبود. در ساخت قاب بیشتر بعد «پژوهش» ماجرا برایم مطرح بود؛ نخست اینکه بخواهم یکی از چهره های درخشان سینمای ایران که حق بزرگی بر گردن این سینما دارند و متأسفانه بسیاری از مخاطبان عادی و حتی حرفه ای سینما حتی نامشان را نشنیده و یا با آژانس آشنایی ندارند را به مخاطب این اثر بشناسانم، دوم «بیان» و «ابراز» ناگفته هایی که کمتر کسی تا به امروز از آن مطلع بود. شخصا متأسف می شوم وقتی می بینم که بسیاری از افراد، سینمای اروپا، آمریکا یا آسیای دور و... را خیلی خوب می شناسند اما نسبت به سینمای کشور خودمان کمترین شناخت را دارند! بعضا پیش می آید که با یک سینه فیل حرفه ای برخورد می کنم و می بینم که تسلط بسیاری نسبت به سینمای جهان دارد اما دیمی ترین

فیلمی که از سینمای ایران دیده «جدایی نادر از سیمین» و تنها فیلمسازی که خیلی جدی و عمیق دنبال کرده باشد «اصغر فرهادی» است! باور کنید من در همین سال ها با عوامل حرفه ای سینما کار کرده ام که صراحتا گفته اند حتی «قیصر»، «گوزن ها»، «تنگنا» و این قبیل آثار را هم ندیده اند! این قبیل واکنش ها همواره برای من ناخوشایند بوده است؛ چرا که معتقدم این مسئله یعنی شناخت سینمای ایران یک حداقل است برای کسی که کارش سینماست و ادعای فعالیت حرفه ای در این زمینه را دارد. نهایتا برای من هم یک ارجاع خالص جهت ادای دینم به یکی از فیلمبرداران و نهایتا سینمای محبوبم به حساب می آمد و همه این عوامل دست به دست هم داد تا «قاب» خلق شود که در این میان به جهت پرداخت به یک «مدیر فیلمبرداری»، انتقال اطلاعات ابتدایی گرامر سینما به مخاطب عام، تا حدی گریز ناپذیر و مرسوم است اما اینکه از ابتدا جزو «اهداف» من بوده باشد، خیر اینچنین نبود.

دنیای هوادار زنده نام «جمشید الوندی» فیلمبردار فیلم مهجور «شام آخر» (تنها فیلم سینمایی «شهپار قنبری») نیز بودند اما در مستند «قاب» در هیچ فصلی به این فیلم که اثری مهم در کارنامه نامبردگان به حساب می آید پرداخت نشده؛ چرا؟

من هم موافقم که «شام آخر» ساخته «شهپار قنبری» یکی از مهم ترین و در عین حال مهجورترین آثار تاریخ سینمای ایران است که زنده یاد «جمشید الوندی» مدیریت فیلمبرداری آن را بر عهده داشته است. در خصوص این مسئله باید عنوان کنم که اتفاقا پرداخت به این فیلم در «قاب» جزو برنامه های ما بود. نشان به آن نشان که هنوز راش های بخشی از صحبت های مفصل و مستقل آقای الوندی در خصوص این اثر موجود هست اما قسمت مهمی که برای من مطرح بود حضور خود آقای «شهپار قنبری» در مقام کارگردان اثر بود که از طریق «حسین عصاران» با ایشان تماس گرفتم و صحبت کردیم که در آن ابتدا خیلی استقبال هم کردند از این امر که بتوانیم از حضورشان در فیلم استفاده کنیم، من حتی با دوستی هم در لس آنجلس هماهنگ کرده بودم که خدمت ایشان برود و هر موقع لازم شد با دو دوربین تصاویر را ضبط کنند، اما با وجود پیگیری های متعددی که داشتم و حتی صحبت های آقای قنبری مبنی بر اینکه «حتما این اتفاق رخ خواهد داد»، چند مرتبه تاخیر رخ داد که نهایتا ایشان گفتند: «درگیر ضبط آلبوم هستند و خودشان به من خبر خواهند داد» و من هم به همین دلیل دیگر پیگیری نکردم و منتظر ماندن تا ایشان خبر دهند که متأسفانه بعد از آن دیگر خبری نشد که نهایتا به این نتیجه رسیدم که شاید تمایلی از سوی ایشان وجود نداشته. یا هر دلیلی دیگری که من نمی دانم! خلاصه به هر دلیلی نشد و من هم مصمم بودم که فیلم را به پایان برسانم، به همین دلیل «قاب» بدون حضور ایشان و فصلی برای پرداخت به فیلم مهم «شام آخر» به اتمام رسید؛ البته ناگفته نماند به واسطه تلاش های دوست عزیزم «هوتن شیرازی» که در دانشگاه استکهلم این فیلم را به ایشان نشان داده بود، از طریق تماس اسکاچ با ایشان صحبت هایی را مطرح کردند و آن تصاویر را در اختیار من قرار دادند و من قطعا برای تالیف کتاب از صحبت های ایشان استفاده خواهم کرد تا جای خالی شان در این پژوهش حس نشود.

دنیای هوادار در «قاب» صرفا شاهد «خاطره بازی» یا

تعریف و تمجیدهای صرف از «جمشید الوندی» و آثارش نیستیم، چرا که نگاهی ژرف به هدف مرور بر صنعت سینمای ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ وجود دارد که در عین حال خودنمایی نمی کند و در بطن اثر روان و جاری است؛ چگونه به این فرم دست پیدا کردید؟
کمی از اینکه «هدف» از ساخت قاب دقیقا چه بوده را پیش تر گفتم. من به دنبال صرفا «خاطره بازی» صرف نبودم، چرا که این بخش به زعم من در زمره بخش های نسبتا زرد ماجرا قرار می گیرد. این درست که شنیدن خاطرات همواره جذاب و عامه پسند است ولی غالبا اطلاعات مثبت و سودمندی به مخاطب نمی دهد؛ اینکه مثلا در پشت صحنه فلان فیلم، فلان آرتیست با چه لباسی در فلان روز ظاهر شده حقیقتا نکته تاثیرگذار و به دردیخور نیست و صرفا وقت مخاطب را می گیرد و چیزی به او اضافه نمی کند. به همین دلیل حتی همان برهه که جمشید الوندی عزیز فوت شد، من به این نتیجه رسیدم که اگر بخواهم با هر چهره ای در مورد فعالیت های ایشان گفت و گو کنم، نهایتا ده دقیقه بتوانند صحبت کنند! (مثلا اینکه بگویند فیلمبردار خوبی بود، یا متوسط و یا بد و ته تپش هم یک خاطره از او تعریف کنند) اما آن افرادی که صاحب کلام تر هستند ممکن است نکات فنی بیشتری را هم بگویند که قاعدتا هرکسی هم از عهده این مورد بر نمی آید و تمام این حرف ها در این صورت مشترک می شد و پرداخت دو ساعته آن به «تکرار» می رسید و مخاطب را به ملال می رساند، بنابراین من آگاهانه، دیالوگ و گفت و گوها را با هنرمندان حاضر در این مستند به سمت و سوی دیگری بردم. مثلا نکته ای که برایم خیلی حائز اهمیت و بارز است گفت و گو و تحلیل در خصوص فیلمنامه ها و نکات کلیدی و شاخص در اجرا و شیوه کارگردانی آثاری است که زنده یاد الوندی فیلمبرداری آن ها را بر عهده داشته و اساسا بیان این مسئله که «چرا این فیلم ها ساخته شدند» و آن آثار «محصول چه شرایطی بودند» و... که حاصل این امر تبدیل به گفت و گوهایی شده که در مستند قاب جمع آوری شده اند که به زعم من پرداخت به این چراها و چگونگی ها توانسته یک تصویر کلی از وضعیت سینمای ایران در آن برهه به نمایش بکشد تا مخاطب بتواند به یک شناخت عمومی نسبت به فضای سینمای ایران در آن دهه - به ویژه ۴۰ و ۵۰- برسد؛ به طور مثال، مستند کوتاه «نان خورهای بی سواد» (ساخته «ناصر تقوایی») که در ابتدای تاسیس تلویزیون ملی ایران ساخته شده، تاثیر شگرف و جایگاه ویژه ای در کارنامه زنده یاد جمشید الوندی ندارد؛ خصوصا که حتی نام او در تیتراژ هم نیست و به جای او نام در تیتراژ اثر از «توفیق ابراهیمی» به عنوان فیلمبردار یاد شده که شخصا با پیگیری هایی که کردم متوجه شدم که ایشان (جمشید الوندی) تنها دو روز در این پروژه حاضر شده که به علت عدم تمایل به فضای تلویزیون این همکاری را ادامه نمی دهد! همین حضور کوتاه، من را مجاب کرد که پای صحبت های «ناصر تقوایی» و «توفیق ابراهیمی» بنشینم که اصلا همین پیدا کردن جناب ابراهیمی برای انجام مصاحبه به یک معجزه می ماند و این گفت و گوها باعث شد تا نکاتی را در خصوص تاسیس «تلویزیون ملی ایران» بشنویم که شمایل کلی و اطلاعات مهمی از شرایط آن برهه به ما بدهد. به زعم من این مهم یعنی «انتقال اطلاعات مفید به مخاطب» در تمامی گفت و گوهایی قاب به خوبی دیده می شود که این از ویژگی های بارز این اثر است.

دنیای هوادار از «قاب» فاصله بگیریم و کمی به مسئله



ایمان عطیمی
نویسنده

«تبلیغات» بپردازیم. مدتی است که «تبلیغات زرد» با توسل صرف به «سلبی» ها در تیزرهای جریان اصلی، باعث تصورات نادرستی از کلیات «تبلیغ» در تصور عامه شده که به طور کلی آن ها را پس می زند و با رجوع به برخی از تئوری های موجود- مثلا در نظریات «تئودور آدورنو»- به شکل بدبینانه اش، هدف آن ها را صرفا استفاده ابزاری از چهره های مطرح برای تخلیه جیب مخاطب می دانند.
در رابطه با این پرسش باید بگویم واقعیت این است که من اصلا مخالف حضور چهره ها و سلبی ها در عرصه تبلیغات نیستم. مهم این است که در واقع «استفاده درستی» از آن چهره در برند مربوطه شود. در هر حال این امر، مسئله ای است که در همه جای دنیا مرسوم است و همواره بسیاری از سوپرستارها از بازیگران سینما و فیلمسازان بگیرند تا ورزشکاران و موسیقین ها و... را دیده ایم که وارد حیطه «تبلیغات» شده اند، بنابراین چیزی نیست که بخواهیم صرف حضورش در کشور ما، آن را محکوم کنیم. در کشور ما (پس از انقلاب) تا چند سال پیش اساسا ممنوعیتی وجود داشت برای این موضوع! (حالا دلیلش «استفاده ابزاری» بود یا... نمی دانم) اما از جایی به بعد این ماجرا آزاد شد و این چهره ها در آگهی های تبلیغاتی حضور پیدا کردند. به نظر من، اگر آن برند، سفیر درستی برای خودش انتخاب کند این موضوع منجر به پس زدن نمی شود. مثلا نمونه ها و مصادیق خوبی که در طول این سال ها از حضور چهره های مشهور در تبلیغات به یاد دارم «محمدرضا گلزار» در برند «ایکات»، «بهرام رادان» و «بهوش طباطبایی» در «نوبن چرم» و یا «برادران خسروی» هستند که هر دو در در برندهای یک آرمیوه بودند؛ به زعم من این مصادیق در تعریف جایگاه برند و بهره ای که از حضورشان در این تبلیغات شده بود در خوانش و تعریف درستی قرار می گرفت. ولی نمونه بسیار بد و سطحی ای که در حال حاضر به یاد دارم و سر و صدای بسیاری هم ایجاد کرد متعلق به تبلیغ «سن ایچ» با حضور «نوبد محمدزاده» بود؛ چرا که معتقدم هدف اصلی تبلیغ در این کمپانی (سن ایچ) القای حس شادی و شادابی (برآمده از آرمیوه) است، حالا در نظر بگیرد پس زمینه و تصویر مای مخاطب از «نوبد محمدزاده» در این سال ها را! آثاری که او بازی کرده غالبا کاراکترهای عصبی، پرخاشگر و مخالف وضع موجود در قامت یک «صد قهرمان» بوده اند؛ بنابراین این مسئله به هیچ وجه با روحیه یک «آرمیوه» همخوانی ندارد! چرا که حداقل دنیای آن دو از یکدیگر بسیار زیاد است و همین مسئله، بزرگترین مشکلی است که شخصا با انتخاب او به عنوان سفیر آن برند دارم. بخش دیگری هم که تولید حواشی فراوانی کرد مربوط به «دستمزد» مطرح شده به ایشان بود که با توجه به مشکلات سیاسی و اقتصادی سنگین در جامعه، به موج مخالفت با این اقدام از سوی این بازیگر دامن زد.
شخصا معتقدم که در شرایط اجتماعی-سیاسی سختی سر می بریم، به همین واسطه، قضاوت ها و افکار عمومی تحت تاثیر این مسائل قرار می گیرد. شاید اگر شرایط

دیاگوگ

سمت و سویی حرکت می کند» و...

برای ساخت تیزرها، در ابتدا بر سر سناریوهای موجود برای یک آگهی در اتاقی موسوم به «خلاقیت» بحث می شود تا ایده های مشترک که حول آن شکل می گیرد به سمع و نظر مشتری برسد، این میان برخی ایده ها اصلاحیه می خورد و برخی رد و تایید می شوند و در نهایت ایده ای که از آن اتاق مورد تایید نهایی قرار می گیرد به واحد «تولید» می رسد، واحد تولید هم یک سرپرست تولید دارد که عموماً کارگردان را انتخاب می کند (که این انتخاب براساس سناریوی موجود و تجارب گذشته کارگردان صورت می گیرد) سپس، کارگردان و مدیرتولید با توجه به نیاز متن و فضای تولید، مشغول به انتخاب سایر عوامل می شوند. در مرحله بعدی به فاز «شوتینگ» (ضبط) می رسیم که به صورت مرسوم، تبلیغات تلویزیونی در یک روز فیلمبرداری می شوند مگر آنکه تعدد لوکیشن و زمان بالایی داشته باشند و نهایتاً کار به مرحله تدوین، ویژوال افکت و سایر اقدامات مرحله «پست پروداکشن» از جمله صداگذاری، اصلاح رنگ و... صورت می گیرد که پس از این ها، ماحصل کار به مشتری ارائه می گردد که به اصلاحیه، رد یا تایید او بستگی دارد. و اما در مورد شیوه کاری خودم، من تا سال ها پیش (مثلاً ده سال پیش) همواره با «دکوپاژ کامل» سر صحنه حاضر می شدم و همه چیز پلان ها و او به او مشخص بود. اما در یکی از پروژه ها که متعلق به یک اثر هفت دقیقه ای بود که در سال ۹۰ می ساختم، صادقانه اش این بود که اصلاً حوصله دکوپاژ نداشتیم! (می خندد) و گفتم سر صحنه حاضر می شوم تا ببینم چه اتفاقی رخ می دهد؛ از قضا به قدری اتفاقات خوب و خلاقانه ای سر صحنه و تولید آن کار رخ داد که از آن پس تصمیم گرفتم که دیگر دکوپاژ نکنم و سال هاست که کاملاً بدون دکوپاژ سر کار حاضر می شوم؛ البته این بدان معنا نیست که خودم هم ندانم که چه چیزی می خواهیم، مسلماً کلیت واضحی را در ذهنم دارم و با ذهنیتی آماده و منسجم سر کار حاضر می شوم اما ترجیح می دهم که با این روش، حضور عوامل (به ویژه فیلمبردار) را هم به واسطه پیشنهادهایی که حین کار می دهند در خروجی اثر پرننگ تر کنم.

دنیایسوادار نظر شما در خصوص کپی برداری تیزرهای تلویزیونی از تبلیغات و فیلم های سینمایی خارجی و داخلی چیست؟ آیا شما این قبیل مچ گیری ها را تایید می کنید؟ یا اینکه الهام گرفتن - بدین شکل - را بخشی از کار می دانید و ایرادی بدان وارد نمی دانید؟ شخصاً معتقدم اگر با هر متر و معیاری که حساب کنیم استفاده از شاهکار «پدرخوانده» و کاراکتر ماندگار «دون ویتو کورلئونه» برای تبلیغ رب و سس و... بسیار چپ و سطح پایین است و به ضد خودش تبدیل می شود!

من معتقدم که بحث «کپی» و «موج سواری» از اتفاقات و حواشی دیگر کمی متفاوت است، مثلاً در خصوص مصداقی که از «پدرخوانده» آوردید من هم با شما موافقم؛ آن تبلیغ خیلی بد و زنده است. چرا که جایگاه رفیع آن فیلم مشخص است و من معتقدم که در درجه اول این آگهی به خودش لطمه زده است. چرا که من به عنوان یک مخاطب سینما منجر می شوم از آن محصول وقتی آن تبلیغ را می بینم! البته این نظر من به عنوان یک مخاطب سینماست و شاید اگر برای کسی که مخاطب جدی سینما نباشد چندان هم اذیت کننده نباشد. معتقدم که پیش از هر چیزی، باید آمارگیری کرد که اساساً برند نامبرده پس از آن تبلیغ تا چه حد موفق بوده و آن تیزر چه تأثیری بر محبوبیت، فروش و شهرت اش داشته است؟ البته این مصداق پدرخوانده که شما نام بردید شامل «کپی» نمی شود و در تمام دنیا هم رایج است (تاکید می کند: البته نه اینقدر نازل، سطحی و دم دستی)؛ مثلاً محتوا و فضاسازی آگهی معروفی که سال ها پیش «ایلدی اسکات» برای شرکت «آپل» ساخت در فضای رمان و حتی فیلم «۱۹۸۴» حرکت می کرد. بنابراین، چیز بدی نیست. مهم نحوه استفاده و به عبارت «چگونگی» و پرداخت آن است؛ اینکه در کانسپت اثر بگنجد که در مورد مثالی که شما آوردید متأسفانه این اتفاق رخ نداده است. اما بحث «کپی برداری محض» بحث مفصل تری است که واقعا بعد عظیمی از آن در این مقال نمی

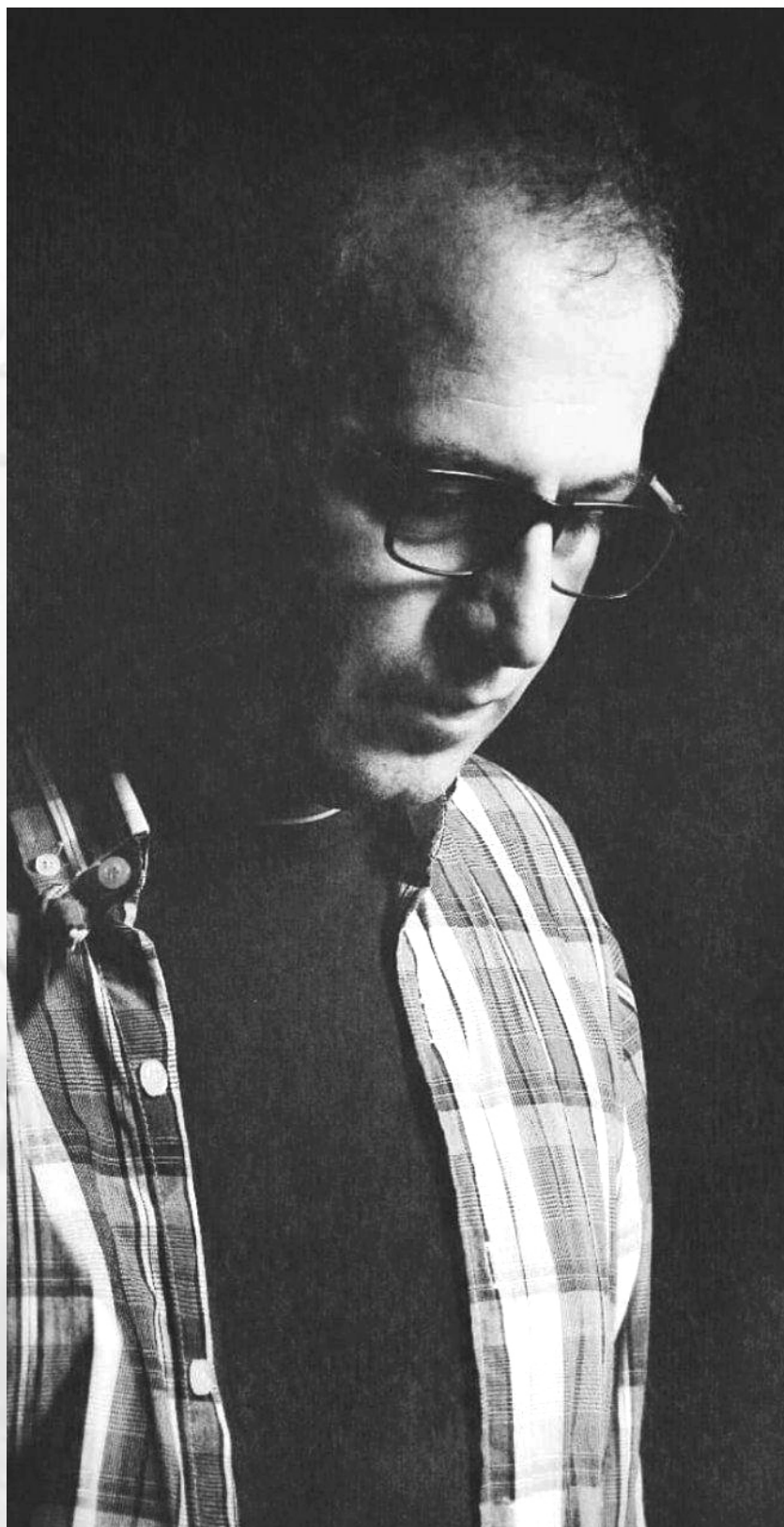
گنجد اما تا حدودی به آن اشاره خواهم کرد. واقعیت این است که من کپی را نه رد می کنم و نه تایید. اگر آدمی باشید که در فضای تبلیغات ایران مشغول فعالیت باشید، هرگز به صورت مطلق به چیزی نگاه نمی کنید، چون فضای آگهی سازی در ایران تا حد زیادی سوررئال است! اصلاً رئال نیست که ما بخواهیم طبق اصول و منطق رایج به دنبال ایده آل های ذهنی مان باشیم. همه اتفاقات لزوماً دست سازنده نیست. من کارگردان بخش کوچکی از این زنجیره ای هستم که قرار است یک آگهی را به روی آنتن برساند. این را هم در نظر بگیرید که «بازار آگهی» شدیداً رقابتی است و از یک سو، درصد زیادی از خود مشتریان هستند که بعضاً از ما آگهی گویی می خواهند! مثلاً طرف یک آگهی فرهنگی را می آورد و می گوید: «عین همین را می خواهیم!» من خودم شخصاً آگهی ای را ساختم که کپی بود و در آخر مشتری ناراضی بود که چرا مثلاً در این پلان، این نرده هایی که در خیابان این تیزر هست، در خروجی شما وجود ندارد؟! از سوی دیگر مسئله بر می گردد به همان فضای رقابتی در بازار تبلیغات و آگهی؛ خب وقتی آژانس ها مسئولیت انجام حجم بالایی از کارها را به لحاظ کمیت بر عهده دارند، طبیعی است که «ایده پردازی» سخت تر از همیشه می شود و گاهی دوستان ما با برداشت و الهام و یا بعضاً کپی از آثار خارجی مشغول به ساخت آگهی ها می شوند.

دنیایسوادار از بین تیزرهایی که برای تلویزیون ساختید، کدام یک را بیشتر می پسندید و به سینمایی که علاقه دارید نزدیک تر قلمداد می کنید؟ در مستند «قاب» تاکید شما بیشتر بر فیلم هایی است که به «حاشیه نشین های اجتماع جنوب شهری» می پرداختند و ما به عنوان مخاطب، این نوع از تاکید و آکسان را در تیزرهایی که برای «کمیتة امداد» ساختید، بیشتر دیده ایم.

به نکته خیلی خوبی اشاره کردید. همواره آگهی و تیزرهایی را که در حوزه «مسئولیت اجتماعی» ساخته ام خیلی بیشتر از سایر کارهایم دوست دارم، چرا که به سلايق، باور، اندیشه و عقاید نزدیک تر است؛ اما برای زیست و ماندن من در فضای تبلیغات که بعد تجاری اهمیت بسیاری در آن دارد، تنها ساخت این جنس از آگهی ها کافی نیست؛ باید آگهی های تجاری خوبی لحاظ کمی و کیفی در کارنامه ام داشته باشم که بتوانم به کارم ادامه دهم که اتفاقاً چندین مورد از آن ها را هم خیلی دوست دارم که اگر مصداقاً بخواهم اشاره کنم در حیطه آگهی های تجاری، از صفر تا صد آثاری که برای «اجاق گاز آلتون»، «۳۰۹۰»، «فرش بزرگهر» و «فرش محتشم» و... ساختم راضی بودم، یا در میان جدیدترها کارهایی که برای «سوابین» ساختم را دوست دارم که از فضای سانتی مانتاالیسم رایج میان آگهی های تلویزیونی (در ژانر آگهی های مواد غذایی) فاصله دارد و کاملاً به مثابه روایت یک زندگی عادی بود که فکر می کنم به همین دلیل هم مخاطب به راحتی با آن ارتباط برقرار کرد و حتی معاونت بازرگانی صدا و سیما هم تقدیر ویژه ای از آن اثر به عمل آورد. در میان آگهی های فرهنگی هم خب همانطور که خودتان اشاره کردید، عموماً کارهایی که برای «کمیتة امداد» ساخته ام را بیشتر از سایر کارهایم دوست دارم، چرا که برای خودم هریک از آن ها به مانند یک فیلم کوتاه، چالش ها و جذابیت های زیادی برابم به ارمغان آوردند که به نوعی گل سرسبد آن ها برای خودم کاری بود که سال ۹۵ به صورت دوربین مخفی با ایده ای از «بویا بادکوبه» عزیز (مدیر هنری و خلاقیت آژانس بادکوبه) ساختیم که در دومین جشنواره تبلیغات موفق به کسب جایزه «شاهین طلایی بهترین آگهی فرهنگی» و در انتخاب های پایان سال هم به انتخاب سایت «کافه بازاریابی» به عنوان دومین آگهی برتر سال برگزیده شد؛ علاوه بر این ها، سال بعد هم در فستیوال شیر کن فرانسه شرکت کرد و در بازار بین المللی به نمایش درآمد.

دنیایسوادار سخن پایانی؟

حرفی نیست؛ از شما و نشریه «دنیایسوادار» بابت فراهم ساختن موقعیت و شرایطی برای این گفت و گوی جامع و مفصل تشکر می کنم.



چه صورت است؟ آیا شما شخصاً با دکوپاژ کامل سر صحنه حاضر می شوید یا همواره جایگاهی را برای خلاقیت های آتی و لحظه ای در صحنه در نظر می گیرید؟

جریان متداول ساخت آگهی ها در کشور ما که در آژانس های تبلیغاتی مشهور که به نوعی سردمدار این عرصه هستند اتفاق می افتد، بدین شکل است که یک «بریف» از مشتری گرفته می شود، بدین معنا که اساساً او به دنبال بیان چه چیزی است؟ صرفاً برندینگ و فروش یا کسب اعتبار؟ با توجه به درخواست مشتری و هرآنچه که هست برایش «طراحی کمپین» صورت می گیرد و در رابطه با آگهی ها، براساس نیاز مشتری تصمیم گرفته می شود؛ اینکه «اساساً به چند تیزر و آگهی نیاز است»، «پخش آن در چه فواصلی صورت می گیرد»، «به لحاظ محتوایی به چه

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عادی ای داشتیم، هرگز این حجم از سر و صدا پیرامون این تبلیغات به وجود نمی آمد! در نظر بگیرید در کشوری که ما شاهد شنیدن خبر خودکشی یک کارگر به خاطر دریافت یک وام پانصد هزار تومانی هستیم (!)، طبیعی است که وقتی می شنویم مثلاً فلان چهره به خاطر یک تیزر ساده و تبلیغ یک نوشیدنی ۱۰ یا ۲۰ میلیارد تومان دستمزد گرفته، باعث ایجاد گارد از سمت مردم نسبت به این اتفاق و آن هنرمند شود. به همین جهت به نظرم مخالفت موجود در خصوص فعالیت بازیگران و... در زمینه تبلیغات، صرفاً ناشی از مسائل حاشیه ای در زمینه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشور ماست.

دنیایسوادار روند رایج ساخت تبلیغات در کشور ما به



«دنیای هوادار» بررسی می کند:

وضعیت آپارتمان های نقلی پایتخت چگونه است؟



رابطه قیمت ها در گروه های مترژی آپارتمان از قاعده دهه ۸۰ خارج شد. فاصله ای که هم اکنون بین قیمت هر «مترمربع» آپارتمان های نقلی با واحدهای مسکونی بزرگ وجود دارد به لحاظ نسبت قیمت ها، معکوس شده است. در اواسط دهه ۸۰ به یک دلیل عمده، قیمت مترمربع آپارتمان در کوچک مترها به خصوص در مناطق پرمعامله، بیشتر از واحدهای بزرگ بود. اما با کاهش این فاصله طی سال های اخیر و سپس معکوس شدن آن، الان میانگین قیمت هر مترمربع واحد یک خواب (زیر ۶۰ مترمربع) تقریباً معادل نصف آپارتمان سه خواب (حداقل مساحت ۱۵۰ متری) است.

به گزارش «دنیای هوادار»، با عبور بازار ملک از یک قاعده قیمتی درخصوص میانگین قیمت فروش هر مترمربع آپارتمان مسکونی در بازه های مترژی متفاوت، نسبت قیمت آپارتمان های نقلی و بزرگ مترها در بازار مسکن معکوس شد. در حالی که میانگین قیمت فروش هر مترمربع آپارتمان در شهر تهران در تیرماه امسال به مرز ۲۱ میلیون تومان رسید در این ماه میانگین قیمت فروش هر مترمربع از واحدهای مسکونی با مساحت کمتر از ۶۰ مترمربع به ۱۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید. این در حالی است که در این بازه زمانی یعنی تیرماه سال جاری میانگین قیمت فروش هر مترمربع از آپارتمان های مسکونی در شهر تهران که در بازه مترژی ۶۰ تا ۸۰ مترمربع قرار داشتند معادل ۱۸ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برآورد می شود. بررسی ها همچنین نشان می دهد میانگین قیمت فروش هر مترمربع آپارتمان ۸۰ تا ۱۰۰ مترمربعی ۲۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بوده است. در واقع مساحت ۸۰ مترمربعی آپارتمان های مسکونی فروخته شده در تیرماه امسال مطابق با آمارهای رسمی را می توان به عنوان مرز تغییرات نسبت قیمت مسکن به لحاظ مترها واحدهای مسکونی به حساب آورد. به این معنا که دقیقاً از مرز ۸۰ واحدهای مسکونی فروخته شده در بازار مسکن قابل مشاهده است. در حالی که به لحاظ مترژی، آپارتمان های مسکونی با مساحت کمتر از ۸۰ مترمربع به طور متوسط با میانگینی کمتر از میانگین قیمت هر مترمربع آپارتمان در شهر تهران در تیرماه امسال فروخته شده اند، اما هر چه

در بررسی تفریح بودجه ۹۸ مشخص شد:

رشد درآمدهای پایدار شهرداری کرج



اتمام رسیده است و هزینه های جاری کاهش پیدا کرده که بسیار مورد توجه قرار گرفته و انتظار می رود شهرداری با ایجاد ظرفیت های جدیدتر به درآمدهای پایدار دست یافته و به نحو احسن از این ظرفیت ها بهره مند شود.

او در ادامه به ارائه گزارش عملکرد سه ساله شورای اسلامی شهر کرج اشاره داشت و افزود: با توجه به اهمیت تدوین گزارش های عملکرد دوره ای به منظور اطلاع از میزان اجرا و تحقق اهداف ردیف پروژه های سال ۹۶، ۹۷ و ۹۸ کمیته حسابرسی با کمک موسسات حسابرسی ایجاد شده است که با توجه به اینکه ابهاماتی در گزارش حسابرسی شهرداری وجود داشت تا پایان هفته جاری به شورا ارسال و ظرف مدت یک ماه آینده تکمیل و جهت رسیدگی به کمیسیون تلفیق ارائه خواهد شد.

وی ادامه داد: با تفریح بودجه عملکرد مدیران مناطق با سهولت مورد ارزیابی قرار می گیرد، انتظار می رود تفریح بودجه سال ۹۸ مدل و مبنایی برای تفریح بودجه سال ۹۹ باشد تا بتوان به نتایج مطلوبی دست یافت.

رئیس کمیسیون تلفیق شورای اسلامی شهر کرج گفت: در بررسی بودجه ۹۸ شاهد موفقیت های شهرداری در اجرای پروژه ها و جذب درآمدهای پایدار بوده ایم و که این امر موجب شده است ارزیابی مدیران نیز با سهولت انجام شود. به گزارش «دنیای هوادار»، در هشتماد و چهارمین جلسه کمیسیون تلفیق که با حضور اعضای شورا و معاونین شهردار برگزار شد گزارش تفریح بودجه سال ۹۸ بررسی شد.

عباس زارع رئیس کمیسیون تلفیق شورا در خصوص تفریح بودجه سال ۹۸ گفت: اگر در بحث درآمدهای شهرداری فروش اوراق مشارکت و تهاتر را کنار بگذاریم خواهیم دید که این نهاد خدمت رسان در حوزه های درآمدی عملکرد مطلوبی داشته است که این مهم نشان از تلاش های شهردار، معاونین و مدیران مناطق است که با بهره مندی از راهکارهای مناسب به جذب درآمدی قابل توجهی دست یافته است.

عضو شورای اسلامی شهر کرج تصریح کرد: در سالی که گذشت رشد چشمگیری در انجام پروژه های عمرانی را شاهد بوده ایم و همچنین بخش زیادی از پروژه های نیمه کاره به

موافق و مخالف طرح لایحه سرمایه گذاری ۵۰ میلیارد تومانی شهرداری کرج



طرح لایحه سرمایه گذاری ۵۰ میلیارد تومانی شهرداری کرج در دویست و نهمین جلسه رسمی شورای اسلامی شهر نقطه نظرات مختلفی را به همراه داشت و نمایندگان مردم به تشریح نقاط ضعف و قوت ورود به بازار سرمایه با استفاده از منابع مالی شهر پرداختند.

به گزارش «دنیای هوادار»، غدیر مهدوی رئیس مرکز پژوهش و مطالعات راهبردی شورا در موافقت با لایحه گفت: شهرداری یک نهاد خدماتی و رفاهی و از منظر دیگر یک نهاد مالی است، هنگامی که از استعدادهای درآمدزایی برای کسب درآمدهای کلان سخن گفته می شود، باید ریل گذاری لازم را نیز انجام داد. خریداری سهام شرکت ها و اوراق در بورس یکی از راهکارهاست که با سبب گردانی قوی می توان سودآوری قابل توجهی داشت. سخنگو و نایب رئیس شورای شهر کرج نیز در مخالفت با لایحه مذکور گفت: مبلغ فوق (۵۰ میلیارد تومان) در بودجه نیامده است و امکان اختصاص نقدینگی وجود ندارد و با توجه به تعهدات شهرداری و پروژه ها بهتر است پروژه های عمرانی را تکمیل نماید که خود بهترین سرمایه گذاری است.

رحیم خستو ادامه داد: بورس طی یک سال اخیر به اوج افزایش قیمت رسیده است که محصول سیاست های دولت در شرایط خاص کشور و جمع کردن نقدینگی از دست مردم بود که هرچند سیاست قابل قبولی است ولی نهادهای عمومی نباید وارد آن شوند و خرید سهام در این وضعیت ریسک بالایی دارد. اگر شهرداری املاک خود را حفظ و کاربری مناسب تعریف نماید

آینده خود را بدون ریسک تضمین می کند. رئیس کمیسیون هنر و ارتباطات شورای شهر کرج اظهار کرد: حضور موثر در بازار سرمایه و بوس نیاز به کارگزاران و مدیران سیستمی دارد که در لحظه قادر به تصمیم گیری باشند؛ با توجه به سیستم بروکراتیک و فقدان نیروهای حرفه ای در این زمینه قطعاً چیزی جز از دست دادن منابع شهرداری را ندارد. یادآور می شود لایحه با اکثریت آراء به تصویب شورای اسلامی شهر کرج رسید.

با اعلام سهرابی رئیس کمیته داوران فدراسیون فوتبال، «پیام حیدری» دیدار دو تیم استقلال و پرسپولیس در نیمه نهایی جام حذفی را به جای محمدرضا زاهدی فر که ظهر گذشته نامش به عنوان قاضی مسابقه اعلام شده بود، سوت خواهد زد.



فوتبال زنان

«سارا ظهراپی نیا»:

بانگاه فعلی پیشرفت نمی کنیم



کلی پوش فوتبال زنان گفت: نبود اردو و تمرین در تیم ملی نشان دهنده بی توجهی به فوتبال زنان است و با ادامه این روند هرگز به پیشرفت نمی رسیم.

به گزارش «دنیای وادار» به نقل از ایرنا، «سارا ظهراپی نیا» روز گذشته با اعلام این مسئله اظهار داشت: سطح لیگ این فصل نسبت به سال های از کیفیت فنی خوبی برخوردار بود. تیم وچان کردستان در این فصل خیلی خوب نتیجه گرفت اما متأسفانه کم و کاستی هایی در برگزاری لیگ بود. هر چند بخاطر کرونا همه موافق تعطیلی لیگ بودیم زیرا ادامه بازی ها به بازیکنان و باشگاه ها آسیب زیادی می زد.

وی افزود: اگر فدراسیون حرفه ای تر عمل می کرد می توانست با رعایت پروتکل بهداشتی اردوی ملی را برگزار کند تا بازیکنان انگیزه بگیرند. در فصل آینده با افت بازیکنان مواجه می شویم. همه فوتبالیست ها تمرین دارند اما بی انگیزه هستند زیرا اردو و لیگی نداریم و هنوز هم تاریخ قطعی برای برپایی لیگ برتر اعلام نشده است.

ملی پوش فوتبال زنان عنوان کرد: برای فصل آینده از ذوب آهن، ملوان و تیم های خوزستانی، البرز و چند تیم دیگر پیشنهاد دارم. «مریم ایران دوست» در این فصل از لیگ برتر سرمربی تیم هیات فوتبال البرز نخواهد ماند. این تیم امسال هم تیم داری خواهد کرد اما در آن نمی مانم. هرگز بیشتر از یک فصل در هیچ تیمی بازی نمی کنم.

وی اضافه کرد: در فصل گذشته از مسئولان تیم آویسا خوزستان ناراحت شدم زیرا به جرات می گویم که ۵۰ درصد به موفقیت این تیم کمک کردم تا وارد لیگ برتر شود. انگیزه فراوانی برای بازی در استان خودم داشتم. خوزستان این توانایی را دارد تا روی سکو بایستد اما تیم را خراب کردند که متأسفانه مجبور شدم تصمیمات دیگری بگیریم. همین شد

کشتی

«محمد بنا»:

در انتخاب هایم سلیقه ای عمل نمی کنم

سهمیه و رساندن تیم به المپیک بود. درباره حمید سوریان باید نکته مهمی را بیان کنم. در ریز ۲ و وزن ۵۵ و ۶۰ کیلوگرم ادغام شده و همه خوب ها به ۵۹ کیلوگرم آمده بودند و خیلی ها ایراد گرفتند که چرا به هر سه مسابقه انتخابی سوریان رفته است و اگر هر کسی جای او می رفت سهمیه نمی گرفتیم. البته من می خواستم سوریان در مغولستان کشتی نگذرد که خودش رفت و متأسفانه نتوانست جواز بگیرد.

بنا تاکید کرد: ما در برزیل ۲ مدال برنز گرفتیم که به نظر من مدال سعید عبدولی به اندازه طلا ارزش داشت. ما پیش از این در وزن ۷۴ و ۷۵ کیلوگرم حتی سهمیه هم نمی گرفتیم. من خوشحالی مردم را می خواستم و به خوبی می دانستم آنها مدال طلا می خواهند و مدال برنز برای من شکست بود. الان می گویم در فاصله ۱۰ ماهی که تیم را گرفتم همین ۲ مدال برنز یعنی پیروزی بود و بعد صدا و سیما گریه های مرا پخش کرد.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا کشتی گیری که قهرمان جهان و المپیک شده است می تواند مربی خوبی باشد؟ اعلام کرد: هم می تواند و هم نمی تواند! من برایتان مثالی می زنم. حمید سوریان می تواند اما قاسم رضایی خیر. رضایی پهلوان و از استثناهای کشتی ما است ولی اگر به من بگویند از بین سوریان ۶۰ کیلویی و قاسم ۱۱۰ کیلویی کدام یک سرمربی تیم ملی شوند سوریان را انتخاب می کنم چرا که با آنها زندگی کرده و خصوصیات اخلاقی شان را بهتر و بیشتر از هر کس دیگری می شناسم. ما مربیانی همچون رحمت الله غفوریان، عبدالحسین فیلی و حبیب الله بلور داشتیم که مدالی در کشتی نداشتند اما در مربیگری جاودانه شدند.

سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی، گفت: در انتخاب هایم سلیقه ای عمل نمی کنم و نگاهم به کشتی گیران، فنی است. «محمد بنا» در گفت و گویی، اظهار داشت: در این مدت که اردوی تیم ملی تعطیل بود بر من و شاگردانم خیلی سخت گذشت. همواره درگیر مسابقات و اردو بودیم و همه این ها به خاطر شیوع ویروس کرونا تعطیل شد. در روزها و ماه های اول که هنوز معلوم نبود مسابقات المپیک تعطیل می شوند از طریق فضای مجازی کشتی گیران را گروه بندی کرده و برایشان تمرینات ویژه ای را در نظر گرفته بودم.

وی افزود: همیشه با افتخار گفته ام اگر موفقیتی در ورزش به دست آورده ام با کمک همکارانم بوده است و اگر این عزیزان نبودند موفقیتی حاصل نمی شد. بدون اغراق گفته ام علم و سواد خیلی از دوستان از جمله رشید محمدزاده، ناصر نوربخش و جمشید خیرآبادی که بعدها آمد، رسول جزینی و قبل تر از آن هم طباطبایی و حسام الدین جعفری و خیلی ها در این راه به من کمک کرد. این کار یک فن است و نمی توانم ریزه کاری های فنی را بگیرم. باید ساعت ها نشست و توضیح داد چرا این مربی و یا کشتی گیر در مقطعی نباشد. سرمربی تشخیص می دهد که تغییراتی برای به وجود آوردن شرایط جدید لازم است.

سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی خاطرنشان کرد: هر وقت فیلم های المپیک ریو را می بینم برابرم سخت است، در رابطه با المپیک پکن حیف شد. استارتی زده بودیم که باید حداقل در پکن یکی، دو مدال می گرفتیم. در لندن شرایطی به وجود آمد که سه مدال طلای تاریخی به دست آوردیم.

وی تصریح کرد: برای المپیک ریو و زمانی که رسول خادم آمد من نزدیک به ۱۰ ماه فرصت داشتم. این ۱۰ ماه برای گرفتن سه

یادداشت

مردی با سپر آهنین؛

نه مترهم می شود، نه استیضاح!



که به این ترتیب از میدان به در خواهند شد تا دوباره گزینه مدنظر وزارت سکان هدایت فوتبال را بر عهده بگیرد!

به راستی چرا وزیر ورزش از چنین سپر آهنینی برخوردار است که نه استیضاح می شود و نه کسی جرات سوال کردن از او دارد؟ در ماجرای ویلموتس که دخالت های وزارت ورزش ظاهر من الشمس است؛ مرکز فرهنگی ایران و هلند توسط چه کسی افتتاح شد و با چه کسی در ارتباط نزدیک است؟ مگر توثیت های رئیس روابط عمومی وزارت ورزش نبود که دو سال تمام برای تیم ملی تعیین تکلیف می کرد و از «طلوع» سخن می گفت؟! «مازیار نامی» بارها در توییترش به صراحت اعتراف می کند که وزارت ورزشی ها در حال مذاکره با گزینه های سرمربیگری تیم ملی ایران هستند. نهادهای نظارتی هیچ یک از این ها را ندیدند که فقط اعضای هیات رئیسه را به مراجع قضائی معرفی می کنند؟

حقیقتا پشت چک شستارا چه کسی امضا کرد تا پول اولیه جذب ویلموتس فراهم شود؟ بیکاری، اعتیاد و مشکلات جوانان که نتوانست وزیر ورزش و جوانان را به صحن علنی مجلس بکشاند. امیدوار بودیم حداقل این اتفاق به بهانه ورزش بیفتد که زهی خیال باطل! گویا سپر آهنین این آقای وزیر حالا حالاها نخواهد افتاد...

محمد حجاری
دبیر تحریریه

به نظر می رسد نام «مسعود سلطانی فر» را باید در کتاب های مقدس جست و جو کرد!

کسی که نه استیضاح می شود، نه مورد سوال قرار می گیرد و نه حتی یکی از رسانه ها جرات دارد نامش را به عنوان مترهم ردیف اول افتضاح ملی فوتبال ایران مطرح کند. چه جالب که گمان می رفت نهادهای نظارتی بالاخره در مردادماه از خواب زمستانی بیدار شده اند و می خواهند جلوی تخلفات را در فوتبال بگیرند. اما خروجی کار آن ها مترهم کردن هفت عضو هیات رئیسه فدراسیون فوتبال در رسوایی ویلموتس گیت بود!

اتهامی که در نهایت باز هم به نفع وزارت ورزش تمام می شود چون این هفت عضو هیات مدیره هر کدام حامی یکی از کاندیداهای انتخابات آتی فدراسیون فوتبال هستند

مکت

یک از دو؛

مسیر ماندن فرهاد از دربی می گذرد

گرفته بود، نایب قهرمان لیگ برتر شد و حالا در نیمه نهایی جام حذفی هم حضور دارد.

از سوی فرهاد، صحبت خاصی در پاسخ این انتقادات تند و اغلب مغرضانه ای که قصد نامید کردن او را داشتند انجام نشد، او فقط قول کسب سهمیه و قهرمانی جام حذفی را به هواداران استقلال داد، که فعلا هم با تمام بی مهری ها و بدشانسی هایی نظیر مصدومیت و اتفاقات دآوری، به یکی از آن ها رسیده است.

حالا مجیدی و شاگردانش در حساس ترین برهه فصل قرار گرفتند، پیروزی در دیدار جام حذفی در برابر رقیب دیرینه، می تواند راز ماندگاری فرهاد در استقلال باشد. با آن که مجیدی کار دشواری در پیش دارد، اما می داند اگر می خواهد خودی نشان بدهد و پاسخ درخوری به تمامی انتقادات مخالفانش داشته باشد باید پرسپولیس را شکست دهد، برد دربی می تواند مهر تأییدی بر حضور شماره هفت محبوب سال های چندین دور آبی ها، بر روی نیمکت استقلال باشد، در نهایت باید دید فرهاد مجیدی چه سرنوشتی با استقلال خواهد داشت.

محمدرضا زاهدی
خبرنگار

زمانی که استراماچونی را از استقلال جدا کردند، نشستن بر روی نیمکت استقلال از کار کردن در معدن هم سخت تر شد، اما بین همه نام هایی که رد و بدل شد، فرهاد محبوب آبی ها، این مسئولیت سنگین را پذیرا شد، حرف و حدیث زیادی پشت بازگشت فرهاد مجیدی به استقلال درآمد، عده ای از هواداران استقلال ترس سوختن و نابودی او داشتند و عده ای از مخالفان او هم، نیمکت استقلال را برای فرهاد زود می دانستند، اما با همه این عقیده ها که بعدتر به حمله و اتهاماتی نظیر «دست نشاندن بودن» و «عشق نفر اول بودن» رسید، فرهاد با استقلالی که از استرا تحویل

حرف آخر

به همت کمیته عکاسان خانه مطبوعات استان البرز؛

عکاسان فعال تجلیل شدند



گفتنی است در این مراسم رضا عباس زاده مدیرعامل خانه مطبوعات استان البرز ضمن قدردانی از زحمات عکاسان البرز با اهدا هدایایی از عکاسان استان البرز قدردانی کرد.

وام ۱۰ میلیون تومانی با کارمزد ۴ درصدی برای عکاسان فعال

در راستای حمایت از عکاسان توسط مدیرعامل خانه مطبوعات استان به قید قرعه ۷ نفر از عکاسان برای دریافت وام ۱۰ میلیون تومانی با کارمزد ۴ درصد خارج از نوبت به بانک مربوطه معرفی شدند.

حوزه های مختلف هستند. میلاد فیروزان ادامه داد: عکاسان خبری انعکاس دهنده رویدادهایی شگرف هستند که با تصویرهای بکر و زیبای خود چهره های حقیقی به آن می بخشند. باید تلاش شود در بخش های مختلف خبری استان و همچنین معرفی جاذبه ها و پتانسیل ها از توانایی این هنرمندان بیش از گذشته بهره مند شد. وی اظهار کرد: تامین نیازهای و به روزرسانی تجهیزات عکاسی از دغدغه های همکاران مان است که خانه مطبوعات البرز با ارائه وام های قرض الحسنه تلاش کرده اندکی از مشکلات عکاسان استان بکاهد.

به مناسبت روز جهانی عکاسی، از عکاسان فعال استان البرز قدردانی شد. در این مراسم که در کافه فانوس برگزار شد ناصر مقدم مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز، مرادی نور معاون فرهنگی، عباس زاده مدیرعامل خانه مطبوعات استان البرز و احمد خیری مدیر عامل سازمان ساماندهی مشاغل شهری، شهرداری کرج حضور داشتند. رئیس کمیته عکاسان استان البرز در این آیین گفت: از همراهی عکاسان استان در روزهای خبری استان قدردانی می کنم چرا که به عنوان چشمان بیدار جامعه انعکاس دهنده تصاویر و اتفاقات در



روز جهانی عکاسی مبارک

